تحلیل جامعه‌شناسانه‌ی ذهنیّت و تجربیّات نسلی در ایران؛ با تأکید بر شیوه‌های مناقشه و حل آن

سیدمهدی اعتمادی‌فرد[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۲۰

چکیده

«مناقشه» ازجمله اساسی‌ترین شیوه‌های ارتباطی در جوامع انسانی است که از دیرباز به اشکال گوناگون متناسب با موقعیّت‌ها و شرایط مختلف تعیّن منحصر به فردی می‌یافته است. در ایران، به دلیل میزان مسایل و آسیب‌ها، شیوه‌های مواجهه و حلّ نزاع‌ها و مناقشات از وجوه ویژه‌ای برخوردار است. آنچه در این نوشتار مورد توجه است، تبیین شیوه‌های مذکور در مراحل مواجهه و حلّ آن با تکیه بر میانجی‌گیری نسلی است. پس از بررسی ابعاد مفهوم‌شناختی موضوعات مرتبط با مقاله، نظریات مختلف مطرح شده است. بر اساس مقدمات نظری مذکور، مدلی از پرسش‌ها به منظور پاسخ‌گویی به مسایل، طراحی شد. روش اصلی به منظور گردآوری اطلاعات میدانی و تجربی، مصاحبه‌های عمیق از افراد مختلف ساکن در شهر تهران با توجه به تعلق به نسل‌های سه‌گانه‌ی جوان(۱۵-۲۹سال)، میانسال(۳۰-۴۹سال) و پیر(۵۰ سال به بالا) در دو گروه زنان و مردان بوده است. بیش از چهل و پنج مصاحبه در این زمینه گردآوری شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده، تجربیات نسلی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ذهنیّت و شیوه‌ی مواجهه افراد با موقعیت‌های مناقشه‌آلود و استراتژی‌های حلّ آن داشته است. نسل‌های جوان، با توجه به شیوه‌های جامعه‌پذیری نسلی و ارزش‌هایی که به تدریج فرامی‌گیرند، استراتژی‌های دفعی‌تر و تندتر را برمی‌گزینند. در حالی که کیفیت مواجهه در نسل‌های بعدتر با گذشت زمان و کسب تجربیات متنوع‌تر، منجر به انفعال در حل مناقشات، چشم‌پوشی یا ساز و کارهای اصلاحی برای از میان رفتن وضعیّت مورد مناقشه می‌شود. «نسل» میانجی در کیفیت مواجهه ایرانیان با مناقشه و شیوه‌های حلّ آن، تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: تجربه نسلی، تضاد، ذهنیّت نسلی، گروه‌های نسلی، مناقشه

مقدمه و بیان مسأله

نسل‌های اجتماعی در دوره‌های تاریخی و اجتماعی، بازیگران کلان در صحنه‌ی اجتماعی هستند که بروز تحوّلات و تغییرات اجتماعی را نیز ممکن می‌کنند. به منظور فهم شیوه‌های نزاع و مناقشه در حیات اجتماعی، می‌توان از میانجی «نسلی» استفاده

[۱]- عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران etemady@ut.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

کرد. پرسش اساسی در پژوهش حاضر، چگونگی تبیین و توضیح کیفیتِ مناقشات در جامعه‌ی ایرانی بر اساس متغیّر نسلی است.

مناقشات دامنه‌ی گسترده‌ای را در روابط انسانی شامل می‌شوند. از مناقشات زبانی و کلامی تا مناقشات حادّ که به اعمال خشونت‌های فیزیکی و جراحت و حتّی مرگ می‌انجامد. اما درگیری‌های برآمده از روابط متضاد یا متعارض، از چه جهتی انسانی است؟ به عبارت دیگر، بروز درگیری‌های خشن، عامل مشترکی در حیات حیوانی و انسانی است. بنابراین به نظر می‌رسد، باید به کوششی مفهوم‌شناسانه دست زد تا بتوان به وجه فارق میان این دو قلمرو دست یافت. به نظر می‌رسد، آن‌چه به آن ماهیّتی انسانی و فرهنگی می‌بخشد، ماهیّت نمادینی است که طرفین مناقشه به آن می‌بخشند و در نهایت برداشتی است که طرفین به پدیده‌ی مورد نظر می‌دهند. برخی پدیده‌های فرهنگیِ مشروع و موجه گاهی خشن به نظر می‌رسند. اما این خشونت هیچ‌گاه باعث نمی‌شود تا آن پدیده‌ها را غیر انسانی تلقی کنیم. از جمله خشن‌ترین مناقشات میان اجتماعات انسانی، جنگ‌ها هستند. علی‌رغم وجوه خشن و غیرانسانی جنگ ها، از جمله ابزارهای مهمی که طرفین درگیری در جنگ می‌توانند به نفع خویش بهره گیرند، ابزارهای ارتباطی نمادینی مانند زبان است(چیلتون، ۲۰۰۲ :۳٦٦).

واقعیت آن است که گرچه، برخی از مناقشات بنیادین می‌توانند به از میان رفتن تعادل و انتظام اجتماعی شوند، همه‌ی نابرابری‌هایی که در نهایت به مناقشه می‌انجامند، ضرورتاً مضرّ به حال اجتماع نیستند؛ زیرا منبع بروز بسیاری از تغییرات اجتماعی هستند که امکان تحرک جمعی را فراهم می‌کنند. اما آیا می‌توان جامعه‌ای را فرض کرد که در آن هیچ‌گونه مناقشه یا تضادی رخ ندهد؟! به نظر می‌رسد، چنین جامعه‌ی فرضی‌ای، نه ممکن است و نه مطلوب. در هر اجتماعی که مبتنی بر روابط معنادار انسانی است، نمی‌توان مناقشه را نادیده گرفت. به میزانی که بر تراکم صوری و مادی روابط اجتماعی افزوده می‌شود، میزان تراکم اخلاقی و امکان بروز تضاد و مناقشه در روابط نیز افزایش می‌یابد. این میزان تا جایی فزونی می‌یابد که فرض خلاف(=عدم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بروز مناقشه) عملاً منتفی می‌شود. از این رو، در تمامی جوامع انسانی، می‌توان تضادها و مناقشات اجتماعی را شاهد بود؛ زیرا هرچه تراکم روابط به لحاظ صوری زیادتر شده باشد، تراکم اخلاقی و میزان ارتباطات متقابل نمادین میان انسان‌ها نیز بیش‌تر می‌شود(دورکیم، ۱۳۸۱: ۲۲۸-۲۳۲).

جامعه‌ی ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیست. تضادهای تاریخی- ساختاری از یک طرف و تضادهای منافع، میان‌فردی، سلیقه‌ای و سبکی از طرف دیگر ما را و زندگی روزمره ی ما را دربرگرفته است. تضادهای فرهنگی، قومی، زبانی، جنسیتی، دینی، سنی و... اما همان گونه که اشاره شد، تضادها حضور دارند و حضور آن‌ها گریزناپذیر است. اما چگونه چنین مناقشات و تضادهایی به‌صورت جریانی اجتماعی ظهور و بروز می‌یابند؟! به عبارت دیگر، امر اجتناب‌ناپذیری که در اثر تراکم روابط اجتماعی حاصل می‌شود، بر اساس چه عواملی اشکال خاصی می‌یابد؟ آیا نسل، روابط نسلی و ذهنیّت نسلی در این میان از نقش معناداری برخوردار است؟ دراین مقاله، در پی تبیین شیوه‌های مواجهه با مناقشات و تضادها در جامعه‌ی ایرانی بر اساس متغیّر «نسل» هستیم. بر این اساس، پرسش اصلی که به دنبال پاسخ‌گویی به آنیم، عبارت است از: ذهنیّت نسلیِ ایرانیان درخصوص شیوه‌های مواجهه با مناقشات اجتماعی، از چه ساختی برخوردار است؟ هم‌چنین شیوه‌های مواجهه‌ی نسلی با مناقشات اجتماعی و موضوعات مورد مناقشه در میان ایرانیان کدام است؟

پیشینه‌ی تحقیق

به منظور ارائه‌ی توصیفی اجمالی از هر یک از پیشینه‌ها، می‌توان آن‌ها را به سه بخش اساسی تقسیم کرد: عمده‌ی تحقیق‌های انجام‌شده و مقالات تألیف‌شده در این زمینه، دارای ماهیّتی حقوقی یا سیاسی است. برخی دیگر ماهیّتی اجتماعی دارد و دسته‌ای دیگر نیز دارای رویکردهایی بیولوژیکی و زیستی در بحث از پیامدهای مناقشات حادّ هستند. چکیده‌ی مربوط به هریک از موارد بررسی‌شده در جدول شماره‌ی یک ارائه شده است. ملاحظه کرد. گرچه عمده‌ی تحقیقات و مقالات منتشر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شده که در ارتباط با موضوع تحقیق هستند، دارای شباهت‌های موضوعی یـا مضـمونی با پژوهش حاضرند؛ اما هیچ‌یک به‌طور تفصیلی بـه دو مقولـه‌ی مناقشـه‌ی اجتمـاعی و نسل نپرداخته‌اند. از این رو، انجام پژوهش حاضر، از این حیث ضـرورت داشـته و در نوع خود در ایران، منحصر به فرد شمرده مـی‌شـود. عمـده‌ی شـباهت‌هـایی کـه میـان پژوهش حاضر با سایر تحقیق‌های پیشین وجود دارد، یا از ابعاد مفهوم‌شناختی در باب «مناقشه» و تضاد اجتماعی است یا به وجوه آسیب‌شناختی در این زمینه مربوط می‌شود. تمایز میان پژوهش حاضر با سایر تحقیق‌های پیشین نیز یا به لحاظ موضوعی است یا از جهت روشی. روش‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر، بـه منظـور پاسـخ‌گـویی بـه پرسش‌های تحقیق، روش‌های تحلیلی و کیفی(مصاحبه‌های عمیق) است. خلاصه‌ای از محتوا و مضمونِ تحقیقات پیشین و مقالات مربوطه، در جدول زیر درج شده است.

جدول شماره‌ی یک: مقایسه‌ی تطبیقی پیشینه و پژوهش‌های انجام‌گرفته

نام طرح	روش	جامعه‌ی مورد بررسی	متغیّرهای وابسته	متغیّرهای مستقل	مفاهیم اساسی
تحلیلی از اندیشه‌ی پیر بوردیو درباره فضای منازعه‌آمیز اجتماعی و نقش جامعه‌شناسی	اسنادی- تحلیلی	متون و آثار پیر بوردیو	تبیین جامعِ مناقشات اجتماعی	تلفیق دوگانگی‌های موجود در مدل‌های نظری پیشین	ذهن‌گرایی/عین‌گرایی، سمبولیسم/ماتریالیسم، ساختار/عاملیت، تحلیل خرد/کلان
نگاهی جدید به مناقشه‌ی فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی	قیاسی- تحلیلی	پژوهش‌های صورت‌گرفته‌ی مرتبط	دوراهی‌ها و تناقضات اجتماعی	انتخاب عقلانیِ نفع فردی/جمعی	انتخاب عقلانی، دوراهی اجتماعی، فردگرایی، جمع‌گرایی، نفع فردی/جمعی
میانجیگری یا مدیریت تعارض در مدرسه	تحلیلی	وضعیّت مدارس مشاهده‌شده ازسوی محقق	کاهش تعارضات و اختلالات رفتاری دانش‌آموزان	میانجی‌گری	واسطه‌گری، تنازعات محیطی، میانجی‌ها در مناقشات اجتماعی
بررسی ارتباط کلیشه‌های جنسیتی و تضاد نقش‌های	پیمایش	۲۸۷نفر از زنان متأهل ۲۰-۳۵	تضاد نقش‌های زناشویی	کلیشه‌های جنسیتی، تحصیلات،	نظریه‌ی نمایشی، مجموعه‌ی نقشی، فمینیسم لیبرال،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

زناشویی در زوج‌های جوان		ساله در شیراز		میزان درآمد و ساعات کاری	کلیشه‌های جنسیتی، تضاد نقشی
آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان،	پیمایش	۳۰۰ نمونه از خانواده‌های تهرانی	خشونت علیه کودکان	نظم یا تضاد ساختی خانواده	تضاد اجتماعی، خشونت علیه کودکان، نظم اجتماعی
درآمدی نظری بر حل منازعات سیاسی	اسنادی- تحلیلی	پیشینه‌ی برآمده از متون نظری مرتبط	حلّ و فصل منازعات بین‌المللی	استقرار دولت حلّ منازعه	دولت حلّ منازعه، سیاست بازسازی اجتماعی فعال، منازعات بین‌المللی،
بررسی نقش حل و فصل منازعه در روابط بین‌الملل	اسنادی- تحلیلی	وضعیّت دولت‌ها پس از جنگ جهانی دوم	شیوه‌های حلّ منازعات در نظام بین‌الملل	توسعه‌ی نهادهای سیاسی- اجتماعی، آموزش، تثبیت فرهنگ صلح در راستای نیل به صلح پایدار	صلح‌طلبی، صلح پایدار، جنگ‌افروزی، منازعات بین‌المللی
فن مذاکره	اسنادی- تحلیلی	شیوه‌های بین‌المللی اتخاذشده به منظور حلّ مناقشات بین‌الدولی	حلّ مناقشات و تنش‌های بین‌المللی	منافع مشترک	دیپلماسی بین‌المللی، تنش‌های بین‌المللی، مذاکره، منافع مشترک، مسایل تعارض،
اصلاح ذات‌البین و نظریه‌ی عدالت ترمیمی	اسنادی- تحلیلی	منابع حقوق مدنی و اسلامی	عدالت ترمیمی	مشارکت آزادانه در اصلاح ذات‌البین	اصلاح ذات‌البین، عدالت کیفری، عدالت ترمیمی
الگوی خشونت به دنبال منازعه در موارد منجر به بستری قربانیان در شش مرکز حوادث شهر تهران	میدانی- سنخ‌شناختی	۴۷۹نفر از کسانی که پس از خشونت در منازعات راهی مراکز عمده‌ی حوادث در تهران شدند.	الگوی خشونت در منازعات	جوانی، جنسیت	منازعه آسیب‌زا، الگوی خشونت، جنسیت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مبانی مفهوم‌شناختی

در مقاله‌ی حاضر، مفاهیمی به کار رفته‌اند که دارای شباهت‌های مضمونی و محتوایی با سایر قلمروهای مفهومی‌اند و لازم است، پیش از ورود به مباحث نظری، اندکی مورد بحث قرار گیرند و وجوه تفاوت و تمایز آن‌ها روشن شوند. در ابتدا لازم است سه مفهوم «تضاد»، «مناقشه» و «مجادله» مورد بررسی مفهوم‌شناسانه قرار گیرند. مناقشه، مفهومی عام‌تر از دو مفهوم دیگر دارد و شامل دو سویه‌ی نرم و تند در کنار خرد و کلان است. هنگامی که مناقشات به‌صورتی حادّ یا در سطحی عام صورت گیرد، وضعیّت تضادی رخ داده است. اما هنگامی که مناقشات در حدودی نرم‌تر و محدودتر مطرح شود، مجادله رخ داده است. برخی از تفاوت‌های میان تضاد و مجادله به ماهیّت رشته‌ای، دامنه‌ی کنش و شدّت آن‌ها مربوط می‌شود. ظاهراً جامعه‌شاسان مایلند، تضادها را مطالعه کنند؛ در حالی که مجادله را در محدوده‌های قانونی و حقوقی فرض می‌کنند. تضاد جنگ‌های گسترده‌تر و افراد بیش تر را شامل می‌شود؛ در حالی که مجادله به برخورد با راننده‌ی تاکسی ویا فروشنده‌ی ساندویچی و غیره اشاره می‌کند. تضادها مسایل ژرف تری از قبیل هویت، ارزش‌ها، ترس یا نیاز را دربرمی‌گیرد و نظام‌مندتر از مجادلات است. در یک مجادله‌ی ساده، مفهوم راه حل ساده به نظر می‌رسد. اما نباید تصور کرد که راه‌حل‌ها مقطعی است. برخی از راه حل‌ها خود فرایندی است که از چند مرحله ی خرد راه حل می‌گذرد. در موقعیّت های پیچیده راه حل‌ها یک حادثه منفرد نیست. بلکه با فرض ممکن بودن راه حل فرایندی طولانی‌مدت است(موفیت و بوردون، ۲۰۰۵).

میانجی اصلی تحلیل شیوه‌های تجربه یا مواجهه با مناقشات، «نسل» است. گرچه این مفهوم به نحوی مشترک در پژوهش‌های جامعه‌شناختی، جمعیّت‌شناختی و سایر زمینه‌های مشترک در حوزه‌ی اجتماعیات مطرح می‌شود، باید توجه داشت که در نوشتار حاضر، ابعاد خاصّ جامعه‌شناختیِ چنین مفهومی مدّ نظر قرار ندارد. آن‌چه مفهوم «نسل» را تبدیل به سازوکاری مناسب برای فهم شرایط موجود در سطح

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اجتماعی- فرهنگی می‌کند، مؤلفه‌ای از همین جنس است. دورکیم به درستی برای تمایز میان تبیین جامعه‌شناسانه و تبیین‌های غیر آن خصوصاً روان‌شناسانه به این امر اشاره دارد، که برای تبیین عوامل مؤثر در حدوث یا بقای یک پدیده‌ی اجتماعی لازم است آن را به سایر وقایع اجتماعی پیوند داد. «علت موجبه‌ی هر واقعه‌ی اجتماعی را باید در میان وقایع اجتماعی مقدم جستجو کرد نه در میان حالت شعور فرد. ... وظیفه‌ی هر واقعه‌ی اجتماعی را باید همیشه در رابطه‌ای جست که این واقعه با هدف اجتماعی معینی دارد»(دورکیم، ۱۳۸۳: ۱۲۲-۱۲۳).

برخی تلاش کرده‌اند تا نسل را به مؤلفه‌های زیستی و بیولوژیکی نزدیک کنند؛ در حالی که مؤلفه‌ی اساسی در این‌جا هسته‌ای معنایی و فرهنگی است. اگرچه دوره‌های جمعیّت‌شناسانه عمدتاً شرط لازم وقوع چنین شرایط ذهنی و معنایی است، در تبیین اجتماعی باید تأکید را بر سطح معنایی نسل معطوف کرد. بنابراین، با اتخاذ رویکردی جامعه‌شناسانه، عامل اصلی تمایز میان نسل‌ها جنس تجربه‌ی ذهنی است که از یک پدیده‌ی اجتماعی دارند. به نظر محققین علوم اجتماعی، «نسل» مقوله‌ای است که بیش‌تر باید با کمک مفهوم «زمان اجتماعی» مورد فهم قرار گیرد تا این‌که به معنای «هم‌دوره‌ای» فهم شود. بنابراین، گروه‌های مقارن با یک رویداد تاریخی و اجتماعی خاص(که از یک نسبت به رویداد اجتماعی مشخص تجربه‌ی مشترکی دارند)، یک «نسل» را تشکیل می‌دهند(آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۱۳).

پاسخ‌دادن به این پرسش که منظور از نسل چیست؟، کاری آسان نیست. علمای علوم اجتماعی به‌طور معمول، معانی متعددی از نسل ارائه کرده‌اند. ولی هنوز وفاق کافی در زمینه‌ی معنای نسل وجود ندارد. اما همگی می‌دانیم که در جهان واقعیّات مابه‌ازایی دارد که همه احساس می‌کنیم کاملاً مشخص است. از برخی جهات می‌توان گفت که یک نسل عبارت است از فاصله میان والدین با فرزندانشان. بدین‌ترتیب، اگر سن بچه‌دار شدن را مثلاً میان بیست تا بیست و پنج سالگی فرض کنیم، آن‌گاه هر بیست تا بیست و پنج سال یک نسل جدید پا به عرصه‌ی حیات می‌گذارد. بسیاری از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مردم، در طول عمر خویش ناظر حضور سه نسل هستند: پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، خودشان و فرزندانشان. ناگفته پیداست که میل به بچه‌دار شدن در همه‌ی ما رأس هر بیست یا بیست و پنج سال قوّت نمی‌گیرد تا زمان تولیدمثل‌مان به‌طور منظم و دقیق مشخص شود و گروه‌های هم‌نسلی از کودکان به وجود آیند و ربع قرن بعد همگی برای تولیدمثل به بلوغ برسند. در واقع، برخی که برای معین‌کردن تفاوت‌های معنادار در برهه‌های تاریخی، پژوهش‌های‌شان را به دهه‌ها(۱۳۸۰، ۱۳۷۰، ۱۳٦۰، ...) محدود می‌کنند، اعتقاد دارند که ظاهراً در حدود هر ده سال شکل جدیدی از ذهنیّت نسلی ظهور می‌کند. بر این اساس، می‌توان از مفهوم دهه‌ی نسلی(یا دهه‌های نسلی) استفاده کرد(هیوز، ۱۳٦۹: ۱٤).

اما برخی نظریه‌پردازان استدلال می‌کنند که نسل‌ها را نمی‌توان بر مبنای مفهوم دهه به سهولت تعریف کرد. برای مثال، مارک بلاک می‌نویسد: «مفهوم یک نسل، مفهومی بسیار انعطاف‌پذیر است... این مفهوم با واقعیّاتی که ما کاملاً ملموس می‌انگاریم هم‌خوانی دارد... نسل‌هایی هستند که [آرا و افکارشان] مدت‌ها تداوم می‌یابند و متقابلاً برخی نسل‌ها دیری نمی‌پایند. فقط از راه مشاهده است که می‌توانیم ببینیم این منحنی در کدام نقطه، مسیرخود را عوض می‌کند». هم‌چنین هیوز مدعی است گرچه نسل‌های مختلف ممکن است به‌طور هم‌زمان وجود داشته باشند. ازاین‌رو تعریف ما از آن‌ها تعریفی اختیاری است، «در عین حال، آن‌ها برحسب تجربیات مشترکشان تعریفی از خود به‌دست می‌دهند. حول این تجربیات است که [افراد گرد هم می‌آیند و] «جمع» شکل می‌گیرد»(پیشین).

شاید دقیق‌تر این باشد که بگوییم به‌طور بالقوه و حدوداً در هر ده‌سال، امکان پیدایش یک نسل جدید وجود دارد. بنابراین، کسانی که با افراد پانزده سال از خودشان بزرگ‌تر در رویدادهای روانی تعیین‌کننده‌ی شریک بوده‌اند، ممکن است خویشتن را به این افراد نزدیک‌تر احساس کنند تا به اشخاصی که سنشان فقط اندکی از آن‌ها کم‌تر است، ولی به آن حوادث قد نمی‌دهد. نمونه‌ی این امر نسل‌هایی است که در دو جنگ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جهانی شرکت داشتند(پیشین). به نظر بالس پاسخ به این پرسش که منظور از نسل چیست، کار آسانی نیست. از برخی جهات می‌توان گفت که یک نسل عبارت است از فاصله میان والدین با فرزندانشان؛ بدین ترتیب اگر سن بچه‌دارشدن را مثلاً میان بیست تا بیست و پنج سالگی فرض کنیم، آن‌گاه هر بیست تا بیست و پنج سال یک نسل جدید پا به عرصه حیات می‌گذارد. بسیاری از مردم در طول عمر خویش ناظر حضور سه نسل هستند. پدر بزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، خودشان و فرزندانشان. به نظر بالس نظریه‌پردازان فرهنگ عامه و نیز تاریخ‌نگاران بر این اعتقادند که ظاهراً در حدود هر ده‌سال شکل جدید از ذهنیّت نسلی ظهور می‌کند(بالس، ۱۳۸۰ :٦). ترول در ۱۹۷۵ پنج مفهوم متفاوت از نسل ارائه داده که کرتز آن را به چهار مقوله کاهش داده است:

۱- نسل هم‌چون نسبت خویشاوندی؛ ۲- نسل هم‌چون گروهی از افراد هم‌دوره؛ ۳- نسل هم‌چون مرحله‌ی زندگی و ٤- نسل چون دوره‌ی تاریخی. این چهار تعبیر مطرح شده به‌علت‌ی کرتز هم‌چنان در ادبیات جامعه‌شناختی مورد تفسیرهای متعدد قرار گرفته و به صور گوناگون مطرح است. به نظر می‌رسد که دهه، تقریباً کوچک‌ترین واحد زمانی است که به عنوان شاخص برای تعیین فرهنگ جمعی می‌توان به کار برد(پیشین :۷).

بر این مبنا از دوره‌های تاریخی در قالب واحدهای زمانی ده ساله برای تعیین تحوّلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نسلی استفاده می‌شود. اما پاره‌ای از اندیشمندان مباحث نسلی معتقدند که نسل‌ها و تحوّلات مربوط به آن را نمی‌توان در قالب واحدهای زمانی مشخص چون دوره‌های ده ساله مورد ارزیابی و داوری قرار داد. بلکه باید با استفاده از تجربه‌ی مشترک نسلی که ممکن است به لحاظ زمانی به یک دهه و یا بیش‌تر از آن تحویل یابد نسل‌ها را مورد بازشناسی و تحلیل قرار داد. برخی انسان‌شناسان اجتماعی در تعریف نسل از نسب خویشاوندی یاد می‌کنند و جمعیّت‌شناسان بیش‌تر هم دوره‌ای را مدنظر دارند. مقایسه با این دو مفهوم مرحله زندگی و دوره تاریخی مورد نظر جامعه‌شناسان قرار گرفته است. در این مقاله، با توجه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به این‌که گروه‌های متعلق به دوره‌های مختلف سنی، می‌توانند تجربیات گوناگون ذهنی و عینی داشته باشند، سه گروه نسلی مشخص می‌شود. نسل جوان، افراد ۱۵ تا ۲۹ سال؛ نسل میان‌سال، افراد ۳۰ تا ٤۹ سال و نسل پیر افراد ۵۰ سال به بالا. این تفکیک، صرفاً زمینه اولیه‌ای فراهم می‌کند تا بتوان بر اساس آن با استفاده از روش‌های کیفی به بررسی ذهنیّت و تجربه‌ی آنان بر مبنای روایت آن‌ها از وضعیّت خودشان در مواجهه با دیگران در موقعیت‌های مناقشه‌آلود پرداخت.

مقدّمات نظری

در پژوهش‌های کیفی، رویکردهای نظری به منزله‌ی مقدمه‌ای برای دست‌یافتن به الگویی نهایی است. آن‌چه در این‌جا بیان می‌شود، مقدّماتی است که در نهایت در حین گردآوری داده‌ها شکل نهایی خود را یافته است. از میان نظریه‌پردازان کلاسیک، مارکس عمده‌ترین متفکری است که در زمینه‌ی تضاد الگویی ارائه کرده که تحوّلات تاریخی را بر اساس آن می‌توان پیش‌بینی کرد. فلسفه‌ی تاریخ مارکس، تضاد را الگوی چنین تحولی شمرده می‌کند. از منظر مارکس، تاریخ جوامع، تاریخ کشاکش طبقاتی است و هرگونه فهمی از وضعیّت هر دوره، منوط به بررسی جایگاه شیوه‌ی تولید مادی و اختلاف طبقاتی بر سر مالکیت ابزار تولید و چگونگی آن است. بنابراین، تضاد طبقاتی عنصر مرکزی در تغییرات اجتماعی و کلید اصلی درک جوامع معاصراست. مناقشات اجتماعی که به‌طور معمول در میان انسان‌ها رخ می‌دهد، ریشه‌ای قدیمی در شیوه‌ی تولید جوامع دارد. در جوامع گذشته که زمین، محور کسب درآمد و منفعت شمرده می‌شد، طبقه‌ای مالک و طبقه‌ای زارع و دهقان بودند که همراه با زمین منتقل می‌شدند و منافع حاصل از کار خود روی زمین به مالک می‌رساندند. کلیه‌ی نزاع‌هایی که در جامعه امکان بروز داشت، به دلیل همین تقسیم‌بندی دوگانه‌ای بود که موجب می‌شد تا افراد در دسته‌های طبقاتی متفاوتی جای گیرند(کالینیکوس، ۱۳۸٦ و برلین، ۱۳۸٦: ۲۰۳-۲۲٤).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ازاین‌جهت، مارکس کل‌گرایی است که اصل و اساس حیات اجتماعی را مبتنی بر تضاد و نزاع میان طبقات اجتماعی می‌داند. در مقابل، می‌توان به رویکرد یکی از جامعه‌شناسان کلاسیک دیگر اشاره کرد که علاوه بر توجه به تضادهای اجتماعی، اولاً از تقلیل‌گرایی و جبرگرایی اقتصادی که مارکس نسبت به شیوه‌ی تولید در جوامع داشت پرهیز می‌کند و ثانیاً به ابعاد خرد و جزیی در سطح کنشی و تفاسیری که کنشگران از خود در موقعیّت‌های مناقشه‌انگیز دارند، نیز توجه دارد. وبر ایده‌های اصلی تحلیل مارکس را درک کرد؛ اما با برخی از دیدگاه‌های او موافق نبود. تحلیل‌های وبر در زمینه‌ی موضوع مقاله، مبتنی بر دو ایده‌ی کلی بود که دنباله‌روی دیدگاه‌های مارکس بود. یکی این که تضاد طبقاتی از مهم ترین بخش‌های جامعه‌ی مدرن است و دیگر این که نیروهای اقتصادی عنصر اولیه در شکل‌دادن به تغییرات اجتماعی هستند. اما در هیچ‌کدام از این ایده‌ها، وبر صریحاً با مارکس موافق نیست و شیوه‌ی تبیین وی از این موضوع متفاوت است. اولاً، برای وبر تضاد طبقاتی مهم است؛ اما این تنها قسمتی از تصور کلی از تضادهای موجود در جامعه است. جایی که مارکس تنها توانست یکی از عوامل مؤثر(=مالکیت و قدرت اقتصادی) در شکل‌گیری مناقشات اجتماعی را ببیند، وبر سه مبنا را برای این کار پیشنهاد کرد: توان و قدرت اقتصادی که پایه‌ی طبقه را شکل می‌دهد؛ اعتبار و شهرت اجتماعی، که پایه‌ی منزلت گروه را شکل می‌دهد و قدرت سیاسی، که پایه‌ی احزاب سیاسی و گروه‌های هم‌عقیده را شکل می‌دهد. تنها در حیطه‌ی ایده‌ی اول است که کار وبر با مارکس از شباهت‌های زیادی برخوردار است و حتّی در این زمینه نیز وبر بیش تر از دیدگاه مارکس بر اهمیّت موضوعات دیگر در مقابل مالکیت شخصی تأکید کرده است. موضوع مهم در این جا وزنی است که وبر به عناصر غیر اقتصادی داده و بر استقلال آن‌ها از معیارهای اقتصادی تأکید کرده است. در واقع، در این جا روابطی میان قدرت اقتصادی، وضعیّت‌های اجتماعی و قدرت سیاسی وجود دارد؛ اما برای وبر هیچ‌کدام از آن‌ها مبنا و پایه‌ی بقیه نیست. همه‌ی این‌ها جنبه‌های مهم قشربندی در دنیای مدرن هستند(کلارک، ۱۹۹۱: ۹۲).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

وبر برخلاف مارکس به نیروهای اقتصادی اولویت نداد، بنابراین او نیروی تولید را به عنوان تنها مبنای مناقشات و تضادهای اجتماعی نمی‌دید. وبر به نیروهای تولید و مبادله بسیار اهمیّت می‌داد و بسیاری از ایده‌های مارکس را در این ارتباط در مباحث اصلی خود حفظ کرد؛ اما این ایده‌ها را دارای اثراتی مستقل در تاریخ انسانی می‌دانست. در واقع یکی از بزرگ‌ترین کارهای ماکس وبر با عنوان، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، به‌طور معمول به عنوان ردیه‌ای بر تفسیر مارکس از تاریخ نگاه می‌شود؛ البته ردیه‌ای که در نهایت به تکمیل و اصلاح هرچه بیش‌تر نگاه مارکسی انجامیده است(باربالت، ۲۰۰۸: ٤۳-٤٥).

وبر تلاش می‌کند نشان دهد که ایده‌های مذهبی در یک مرحله از تاریخ غرب، عاملی حیاتی برای ساختن سرمایه داری مدرن بوده است. این موضوع گاهی مانند نوعی وارونه‌کردن تحلیل های مارکس(در جامعه، بیش‌تر از این‌که نیروهای مادی ایده‌ها را شکل دهند، ایده‌ها نیروهای مادی را شکل می‌دهند) بود. آن‌چه وبر در تلاش است به ما نشان دهد این است که تعدادی از نهادهای اصلی اجتماعی، از جمله نهادهای اقتصادی، دارای روابط پیچیده‌ای در ساختن چارچوبِ تغییرات هستند. این همان نقطه‌ای است که ازسوی بوردیو ادامه و بسط یافت. از این رو، به منظور تحلیل و تبیین مناقشات اجتماعی در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با تکیه بر نظرها بوردیو، به عنوان مبنای اصلی نظریه‌پردازی، رویکردی جامع به منظور تبیین مناقشات اجتماعی اتخاذ کرد.

مانهایم از جمله افرادی است که با توجه به برداشتی مارکسیستی تلاش کرد تا تقریری از مفهوم «نسل» داشته باشد. در این دیدگاه، ظهور یک نسل حقیقی و تبلور یک آگاهی نسلی متمایز نتیجه‌ی حوادث تاریخی عظیمی است که افراد در حدود ۱۷-۲٥سالگی خود در داخل حوزه‌ی جغرافیایی واحدی، به‌طور مشترک آن را تجربه می‌کنند(قاضی نژاد، ۱۳۸٥: ۹۸). رهیافت مانهایم، تحلیلی- تاریخی و ذهنی با تأکید بر تجارب ویژه، آگاهی و ذهنیّت نسلی است. مفروضات نظری اساسی مانهایم مبنی بر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

این تجربه که تجارب دوره زندگی به ویژه دوره‌ی اصلی جامعه‌پذیری آن نسل بر گرایش‌های ذهنی یک نسل در طول حیات آن‌ها تأثیری قاطع دارد، چارچوب مفهومی قدرت‌مندی برای پیش‌بینی گرایش‌ها فرهنگی یک نسل فراهم می‌کند. به‌طور کلی، رهیافت مانهایم دارای ویژگی‌های اساسی زیر است(پیشین: ۱۰۲-۱۰۰).

بوردیو برخلاف مارکس، عاملان انسانی را در وضعیّتی فعالانه‌تر به منظور کسب، حفظ یا افزایش سرمایه‌های مختلف می‌دید. از این جهت، لازم است تا در تحلیل مناقشه‌ی اجتماعی نیز به کیفیت سرمایه‌های طرفین آن توجه کرد تا بتوان ساخت آن را تبیین کرده و عوامل مؤثر بر آن را شناخت. افراد در زمینه‌ی‌های اجتماعی متنوع، با برخورداری از سرمایه‌های متنوعی، امکان تعاملی با سطوح تأثیرگذاری مختلفی می‌یابند. کیفیت مواجهه انسان‌ها در موقعیت‌های مناقشه‌آلود نیز مبتنی بر تحلیل فضایی بر حسب برخورداری از سرمایه‌ها ممکن می‌شود. بوردیو در تحلیل کنش‌های مختلفی چنین مدلی را برای تحلیل اتخاذ کرده است(بوردیو، ۱۳۸۰).

روش تحقیق

روش اساسی در این پژوهش، روش «مصاحبه»[1] است که از دو استراتژی به این منظور استفاده شده است: «مصاحبه‌های عمیق»[2] و «گروه‌های کانونی»[3]. تفاوت میان این دو بخش، در تضارب آرا و کنترل نظرها ازسوی اقران و اطرافیان است. در مصاحبه‌های عمیق، هدف آن است تا بتوان به ابعاد پنهان و نااندیشیده‌ی ذهنیِ مصاحبه‌شونده دست یافت. منطق چنین روشی، اقتضا می‌کند که به‌صورت فردی و با اتخاذ شیوه‌هایی بتوان موانع برخوردی و ذهنی را برداشت و فضا را آماده کرد تا بدون سوگیری بتوان از لایه‌های نسبتاً پنهان ذهن و عقیده‌ی مصاحبه‌شونده آگاهی یافت؛ در حالی که در گروه‌های کانونی، تلاش بر آن است تا بتوان نظرهای ارائه‌شده ازسوی

[1]- interview method
[2]- depth interview
[3]- focus groups

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هریک از مصاحبه‌شوندگان را در فضایی تضاربی قرار داد و در نهایت با کنترل بحث به نتایج مطلوب(به دور از سوگیری) دست یافت. مدل نیمه‌ساخت‌یافته‌ای که حاوی پرسش‌های مقدماتی بود با هریک از افرادِ مصاحبه‌شونده طرح و کلیه‌ی جملات و گزاره‌های بیان‌شده ازسوی آنان، ضبط شده است. سپس، گزاره‌ها به دقت پیاده شده و در نهایت فرایند کدگذاری شروع شده است.

معیار گزینش تعداد نمونه‌ها، هدفمند و متناسب با اطلاعات به‌دست آمده از مصاحبه‌شوندگان پیشین بوده و تا ٤٥ نفر ادامه یافته است. از میان افراد متعلق به هریک از نسل‌های سه‌گانه‌ی جوان(۱۵ تا ۲۹ سال)، میان‌سال(۳۰ تا ٤۹ سال) و پیر(۵۰ سال به بالا) که در شهر تهران سکونت دارند و دارای بیش‌ترین اطلاعات یا تجربیات درخصوص مناقشات در شرایط مختلف زندگی اجتماعی، اعم از: خانوادگی، شغلی و... هستند و می‌توانند بیش‌ترین اطلاعات درخصوص موضوع را بیان کنند، انتخاب شده است. لازم به ذکر است، تعداد افراد مصاحبه‌شونده فراتر از تعداد مذکور بوده، اما چون برخی از آنان چه در مصاحبه‌های عمیق و چه در گروه‌های کانونی، فاقد تناسب با موضوع اصلی بوده‌اند، از روند تحلیل مصاحبه‌ها حذف شده‌اند. هم‌چنین جنسیت نیز به عنوان متغیّر کنترل در تحقیق فرض شد تا احتمال تأثیر آن در ابعاد مختلف کاهش یابد. از این جهت، نمونه‌ها در دو گروه زن و مرد انتخاب شدند.

روایی[1] و پایایی[2]

در تحقیق حاضر، برخی از راه‌کارها ازسوی محقق دنبال شده تا نهایتاً بتوان به میزان روایی بالاتری دست یافت. مهم‌ترین شیوه‌ای که در این زمینه باید رعایت شود، مستغرق‌شدن در داده‌های تحقیق است. محقق باید آن‌قدر در داده‌ها غوطه‌ور شود که به اطمینان کافی برسد که اگر بیش از این وقتی به منظور بازبینی و بررسی سایر ابعاد موضوع مورد تحقیق صرف کند، به احتمال زیاد تغییری در نتایج ایجاد نخواهد شد.

[1]- Validity
[2]- Reliability

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

این امر محقق را یاری می‌کند تا بتواند به‌صورتی نسبی به اطمینانی نایل شود(بلگرو، ۱۹۹۵: ۱۸۷).

در این روش، همانند سایر روش‌های کیفی لازم است محقق به منظور دست‌یابی به روایی لازم به حالت اشباع و اقناع شخصی برسد. خود محقق درمسیر تحقیق است که متوجه خواهد شد، آیا فرایند تحقیق به‌صورت اطمینان‌آوری به بررسی مسایل تحقیق می‌پردازد. یکی از راه‌های عمده به منظور آن‌که بتوان به افزایش تحقیق کمک کرد، یادداشت‌برداری‌های مکرر است(پیشین: ۱۹۲). به منظور افزایش پایایی نیز به برخی از راه‌کارهای مردم‌شناختی تمسک شده است. مردم‌شناسان به منظور افزایش پایایی، سعی می‌کنند پیش از ورود به میدان تحقیق نظریات شخصی خود را در باب موضوع مورد مطالعه یادداشت کنند تا حین تحقیق از دخالت‌دادن نظرهای خود بپرهیزند(پیشین: ١٦٤).

ذهنیّت ایرانیان و تجربه‌ی نسلی آن‌ها درخصوص مناقشه‌های اجتماعی

بر اساس آن‌چه از تحلیل مصاحبه‌ها به‌دست آمد، در حیات ایرانی می‌توان از ذهنیّت‌های مختلف اجتماعی سخن گفت که متناسب با هر نسل متفاوت است و بر اساس آن شیوه‌ی مواجهه آن‌ها با موقعیت‌های مناقشه‌آمیز نیز تغییر می‌کند. به‌صورت کلی، هنگامی که افراد در موقعیتی معین، دچار ابهام شوند، فرد نمی‌تواند متناسب با آن دست به اقدام به‌هنجار بزند. در این صورت است که ممکن است با دیگر مشارکت‌کنندگان در این عرصه، احساس تفاوت، تضاد یا تعارض کند. این احساس، در ابعاد مختلف صورت‌های متنوعی به خود می‌گیرد و شامل انواع مختلف خانوادگی، دوستی، شغلی و... می‌شود. در این صورت به دنبال آن است تا در شکل معینی وارد رابطه با دیگران در موقعیت مذکور شود. این مواجهه، گاهی سویه‌های تند سلبی به منظور نفی یا قطع رابطه با دیگران به خود می‌گیرد تا فرد بتواند آزادانه و مستقل به تعریف حدود عمل اختیاری خود مبادرت ورزد و گاهی نیز می‌تواند وجوه ترمیمی یا اصلاحی بیابد. شیوه‌ی شکل‌گیری ذهنیّت نسلی، از جمله مهم‌ترین زمینه‌ها برای کیفیت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مواجهه در سویه‌های نفی یا اصلاح است. هنگامی که افراد در گروه‌های نسلی، فراگرفته‌اند که چگونه می‌توانند هنجارهای لازم را به منظور مواجهه با وضعیّت حاضر داشته باشند، در این‌جا نیز بیش‌تر به فکر اصلاح وضعیّت‌اند. اما افرادی که از ابتدا ذهنیّت مبهمی نسبت به شیوه‌های مواجهه با دیگران به منظور مدیریت مناقشات خود داشته‌اند، در حال حاضر نیز نمی‌توانند تصمیم روشنی برای تعامل با دیگران بگیرند و از اساس آن را نفی می‌کنند. چنین امری، با ابهام در شیوه‌های جامعه‌پذیری نسلی ایجاد می‌شود. به عنوان نمونه یکی از دختران جوان که با دوست قدیمی خود قطع رابطه کرده بود چنین اظهار کرد: »خیلی برام سخته اون رویه‌ای که خودم دوست دارم، دارم زندگی می‌کنم به اجبار کسی، عوض کنم، اگر خودم قلباً قبول کنم مایلم که روشم‌رو عوض کنم، ولی اگر نتونم با خودم کنار بیام، هیچ وقت زیربار زور نمیرم، حالا هرچقدر حرف طرفم درست باشه، این قضیه هم همین جور بود، نمی‌تونستم قبول کنم که حالا بعد از ۱۰-۱۵ سالی که خودمو شناختم و این‌جوری دارم زندگی می‌کنم، مثلاً زنگ بزنم به مریم بگم این مشکل‌رو دارم». مصاحبه‌شونده در موارد دیگری نیز به نظر می‌رسد، چنین امکانی برای تطبیق با شرایط مختلف بیرونی را ندارد و به همین دلیل، عمدتاً مناقشات منجر به قطع رابطه می‌شود. این امر صرفاً به روابط دوستانه او نیز محدود نشده و به رابطه او با دیگر اعضای خانواده نیز تسری یافته است؛ به‌گونه‌ای که دیگران را مانعی برای دست‌یابی به اهداف خود قلمداد می‌کند و در حد ضرورت با آن‌ها سلام و علیکی دارد. این حد از رابطه نیز ظاهراً به دلیل ضرورت حضور در فضای خانوادگی است.

دختر ۲۰ساله‌ای که مربی باشگاهی ورزشی بود و در محیط فعالیت خود بارها دچار مشکل شده، اصل شکل‌گیری مناقشه‌ی اصلی خود با یکی از همکاران در باشگاه که با وی قطع رابطه کرده بود چنین توضیح داد: «موضوع‌مون، خیلی سر چیز بی‌خود. خیلی واقعاً چیز بی‌خود. مثلاً یکی، من از همه بزرگ‌تر تو باشگاه بودم، سناً، نه، کمربندم، بعد، یه نوع حسادت بود، پشت هم صحبت کردن بود، این ور حرف زدن،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اون ور حرف زده بود... الان هم باهاش قهرم». پسر ۲۱ساله‌ی دانشجوی کاردانی که بر سر طرفداری تیم‌های فوتبالی با دیگران مناقشاتی را تجربه کرده بود درخصوص ذهنیّت و تجربه‌ی کنونی خود چنین اظهار کرد: «اول با طرف مقابل صحبت می‌کنم، ولی هر عکس‌العملی را که او انجام دهد، من هم انجام می‌دهم. مثلاً اگر او یقه‌ی مرا گرفت و زد من هم او را هل می‌دهم».

در مقایسه با نسل جوان، افراد مسن دارای تجربیات بیش‌تری درخصوص مواجهه با موقعیت‌های مختلف هستند و همین امر زمینه را برای پرهیز از رویکردهای مبتنی بر نفی و قطع رابطه افزایش می‌دهد. گرچه در میان مصاحبه‌شوندگان نیز مواردی موجود بود که با دیگران دچار برخوردهای شدید شده‌اند که در نهایت به طردشدن آنان از فضا یا قطع رابطه انجامیده، اما این موارد نیز روایاتی از دوره‌های جوانی افراد است. مرد ٦١ ساله‌ای که حتّی به دلیل ضعف اعصاب مدتی در جوانی در بیمارستان بستری بوده و بر سر موضوع «غیرمهمی» به گفته‌ی خود با هم‌کارش درگیری پیدا کرده، چنین اظهار کرد: «من درگیر نمی‌شوم و به راه خودم می‌روم. جواب هم نمی‌دهم... می‌دانم که عاقبت این کار پلیس است و تا شما بی‌گناهی خود را ثابت کنید سال‌ها در زندان خواهید ماند». آن‌چه می‌تواند افراد را در چنین شرایطی در مواجهه با مناقشات به سویه‌های انفعالی نسبت به جوانان سوق دهد، ذهنیّتی است که به تدریج به‌علت تجربه‌ی نسلی چنین امکانی را فراهم کرده است. همین مصاحبه‌شونده در بخشی از صحبت خود، هیچ نوع گفت و گویی را در ایران ممکن نمی‌شمارد؛ اما در حین بروز مناقشات حاضر به درگیرشدن نیست. زن ٦٤ساله‌ی بازنشسته‌ای که سابقه‌ی مناقشه با یکی از هم‌سایگان خود را داشته و به دلیل عارضه‌ی قلبی ایجادشده در این نزاع، دوشب در بیمارستان بستری بوده در حال حاضر درخصوص ذهنیّت خود و شیوه‌ی مواجهه‌اش چنین اظهار کرد: «تا اون‌جایی که بتونم، می‌گم طرف، اصلاً عکس‌العمل نشون نمی‌دم؛ معمولاً. مگر این‌که جون به لب آدم برسه، مجبور بشه که(می‌خندد) یه عکس‌العملی نشون بده و گر نه معمولاً گذشت بهتر از همه چیه. آدم تو زندگی تو هر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

چی، توی زندگی داخلی، چه هم‌سایه‌ها، گذشت داشته باشد. بالاخره طرف خودش می‌فهمه و اگه کار بدی هم کرده باشد، عذر خواهی می‌کند. باید کاری کرد که طرف رو خجل کرد نه این‌که بخواهی خودت درگیر بشی». چنین وضعیّتی در سایر مصاحبه‌شوندگان متعلق به این نسل نیز قابل مشاهده است: «فقط آرامش. آدم وقتی آرامش داشته، صبر داشته باشه، تقریباً همه چی حل می‌شه چون اگه آرامش داشته باشی، تو اون لحظه‌ای که عصبی می‌شی، خوددار باشی، یه خرده، یه نفس عمیق بکشی، حل میشه میره، دیگه مسأله‌ساز نمیشه. بالاخره هر چقدر آدم صداش بالا بره، منم صدام بره دوباره یه خرده بالاتر، می‌کشه به اون مراحلی که نباید بکشه. هر چقدر آدم گذشت داشته باشه، آرامش داشته باشه. تو زندگی تو همه چی همین طوره».

زن ٦٥ساله‌ی فرهنگی که به دلیل اعتیاد فرزندش هم در محل کار و هم محیط خانواده مشکلاتی برایش ایجاد شده، درخصوص ذهنیّت و شیوه‌ی کنونی خود در مواجهه با مناقشات چنین اظهار کرد: «خب من سعی می‌کنم با افراد یه مقدار ملاحظه‌کاری بکنم، ولی وقتی ببینم که کسی پاشو از گلیمش بیرون می‌کشه، به‌خصوص الان احساس می‌کنم که نسبت به سن جوانی تجربیات بیش‌تری دارم، اول سعی می‌کنم که مؤدبانه با ملایمت برم اینا. بعد باز بکشه اگر به مراحل حادتری، بازم سعی می‌کنم که جواب طرفو بدم، احساس نکنه من آدم ناآگاهی‌ام. احساس نکنه آدم ضعیفی‌ام. و لیکن سعی می‌کنم از مرز ادب و احتّیاط تا حدی خارج نشم». همین مصاحبه‌شونده درخصوص وضعیّت جوانی خود چنین روایت می‌کند: «در سنین جوانی، ممکن بوده که من با برخوردی فیزیکی هم درگیر شده باشم. یعنی از طرف ایشون(می‌خندد) من که قدرتی نداشتم، چون شما تحقیق می‌کنید من سعی می‌کنم که خیلی صادقانه به شما جواب بدم». وی در پاسخ به این‌که چه عکس‌العملی در دوره‌ی جوانی در حین بروز مناقشه با شوهرش داشته چنین اظهار کرد: «خب البته منم بدون عکس‌العمل نبودم، ولی قدرت ایشون رو نداشتم. بعد، خیلی مضطرب می‌شدم. خیلی ناراحت می‌شدم در زندگی. گاهی اوقات اصلاً دوست داشتم زندگی رو ترک کنم. ولی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

وقتی که سبک سنگین، به علت شرایط خاص زندگی خودم، البته اینم ناگفته نذارم که من کار می‌کردم، فرهنگی هم بودم، ولی باز هم با تمام این اوصاف وقتی که سبک سنگین می‌کردم، تو ترازو می‌ذاشتم، احساس می‌کردم که بمونم بهتر. بچه داشتم، مسایل مختلف بود. حامی درستی توی زندگی نداشتم. این بود که احساس می‌کردم که تحمل کنم و کنار بیام بهتره».

روند تحول در استراتژی‌های مواجهه در مناقشات، درخصوص میان‌سال‌ها نیز قابل مشاهده است. مرد ٤٦ ساله‌ای که در دهه‌ی ٦٠(در دوره‌ی جوانی) خدمت سربازی خود را در منطقه‌ای گذرانده که زمینه‌ی مناقشات مذهبی به دلیل تفاوت مذهبی با افراد ساکن در منطقه فراهم بوده و چندبار در این زمینه روایاتی از مناقشات خود بیان کرد، در حال حاضر چنین اظهار می‌کند: «تا یکی از آن‌ها را دیدم به سمت او رفتم و از او معذرت‌خواهی کردم. او هم بخشید و با هم دوست شدیم به‌طوری‌که او بعدها حتّی برای من سوغاتی هم فرستاد». وی درخصوص مناقشاتی که در سال اخیر رخ داده نیز چنین گفت: «یک بار یک موتوری در بازار به من زد و فرار کرد . باتوجه به این‌که می‌دانستم بازار شلوغ است، با سرعت رفتم و او را گرفتم و گفتم باید من را به بیمارستان ببری. از میان افرادی که جمع شده بودند فردی گفت، آقا صلوات بفرستید. این جمله مثل آب سردی بود که مرا خنک کرد و او را ول کردم». زن ٤٨ ساله‌ای که به دلیل بدگمانی همسرش نتوانسته بیرون از خانه شاغل باشد و علاوه بر آن نسبت به وی در کلمات نیز اظهار نفرت می‌کرد درخصوص شیوه‌های مواجهه حین بروز مناقشات چنین اظهار کرد: «تو طول زندگی که فکر کنم حدود ۲۵ سال بشه یا نه فکر کنم که ٢٤ سال باشه فکر کنم ازش صبر و خیلی خوب یاد گرفتم. یعن در کنار اون مرد من صبر و گذشت و فداکاری رو خوب یاد گرفتم. یعن فداکاری به خاطر این‌که تونستم به خاطر بچه‌هام زندگی کنم، اگرچه جوونیم فکر می‌کنم همش رفت، صبر هم، به خاطر این‌که کاری که کرد و من هیچی نگفتم، البته من خیلی دلم می‌خواست که جدا بشم». وی به دلیل حفظ حداقلی از زندگی خانوادگی، تلاش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

می‌کند تا حین بروز مناقشه با وی، بیش از گذشته صبر کند. وی درخصوص خاطرات خود از زندگی با شوهرش در اوایل جوانی، مناقشات را «سر هیچ و پوچ» تلقی می‌کند. زن ٤٨ساله دیگری نیز که دارای تحصیلات ارشد است و با پدر خود بر سر ازدواج و شوهر خود درخصوص اختلاف سلیقه در مسایل زندگی داشته، چنین اظهار می‌کند: «جر و بحث من و شوهرم چون هردومن می‌دونیم به نتیجه نمیرسه هر دومون زود تمومش می‌کنیم». وی در دوره‌ی جوانی حتّی در صدد تلافی‌کردن با شوهرش نیز برمی‌آمده، اما در حال حاضر «به اون شدت به اون شکل نمی‌رسه».

علاوه بر این، افراد به‌دلیل با افول قوای زیستی و جسمانی ناچارند به جای استمداد از قوای بدنی خود در مناقشات و نزاع‌ها، از راه‌کارهای نمادین(که ماهیّتاً فرهنگی است) یاری جویند. با افزایش سن، میزان برخورداری فرد از سرمایه‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا منزلت اجتماعی فرد در نظر دیگران بیش‌تری تثبیت می‌شود و احترام بیش‌تری را سایرین برای او قایلند. منزلت شغلی یا سابقه‌ی فعّالیّت‌های اجتماعی نیز می‌تواند در این میان مؤثر باشد.

هم‌چنان که پیش‌تر نیز به اجمال اشاره شد، تراکم روابط اجتماعی، به تراکم اخلاقی نیز منجر می‌شود. در این صورت، اگر هنجارهای لازم به منظور هدایت و کنترل روابط دچار فقدان یا ابهام شود، فرد در موقعیّت‌های پیش‌رو نمی‌تواند به درستی عکس‌العمل نشان دهد و از این رو، دچار آسیب‌های متعدد رفتاری و کنشی می‌شود. افرادی که متعلق به طبقات و قشرها پایین‌تر جامعه هستند، به دلیل عدم برخورداری از امکانات مطلوب اقتصادی و مادی، نمی‌توانند از مکان‌های زندگی مستقل و وسیع برخوردار باشند. همین امر می‌تواند خود موجب بروز مناقشات گسترده میان اهالی خانه شود. تراکم زیاد روابط اجتماعی در این موقعیّت، موجب می‌شود تا افراد برخوردهای مادی و فیزیکی بیش‌تری نیز با یک‌دیگر داشته باشند. فقدان یا ابهام در هنجارهای ارتباطی موجب می‌شود افراد دایماً درگیر با موقعیّت‌هایی شوند که احتمال بروز مناقشه و نزاع در آن زیاد است. در چنین وضعیّتی است که لازم است، تبیینِ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مناقشات نسلی را بر اساس چنین عاملی نیز مورد توجه قرار داد. در برخی موارد نیز تغییر موقعیّت اقتصادی و پایگاهی است که در موقعیّت‌های تازه، فرد را با مشکل مواجه کرده است. به عنوان نمونه، هنگامی که فرد در خانواده‌ی پدری خویش از رفاه نسبی برخوردار بوده، اما در خانواده‌ی همسری خویش نتواند نیازهای مادی‌ای که قبلاً به راحتّی برآورده می‌کرده را برآورده کند، می‌تواند به احساس محرومیّتی دچار شود که او را وارد مناقشات جدید با همسرش می‌کند.

در این بخش، به بررسی شیوه‌های مواجهه‌ی نسلی پس از مناقشه پرداخته می‌شود. از خلال مصاحبه‌ها و با تحلیل گفته‌ها و اظهارات مصاحبه‌شوندگان می‌توان شیوه‌های مواجهه با مناقشات بروز یافته را به‌دسته‌های مختلفی تقسیم کرد. مطابق مقدمات نظری، جوانان بیش از سایر افراد متعلق به نسل‌های دیگر از رویکردهای انتقام‌جویانه و تلافی‌جویانه استفاده می‌کنند. این وضعیّت در مورد کسانی که از ضعف در موقعیّت‌های ارتباطی برخوردار بوده و مورد ستم قرار گرفته‌اند، به مراتب بیش‌تر است؛ زیرا فرد به دلیل آن‌که نتوانسته مطابق آرزوی خود در مناقشات موجب اثر باشد، در حال حاضر تلاش می‌کند تا آن ضعف را به‌صورت میل به انتقام برآورده کند. به نظر می‌رسد چنین افرادی در صورت بروز مناقشات احتمالی بیش‌ترین صدمه را ببینند؛ اما ممکن است در صورت امکان، اعمال غیرمترقبه‌ای از خود صادر کنند. تمامی این‌ها به ضعف اساسی آن‌ها در ارتباط‌برقرارکردن با دیگران بازمی‌گردد. این وضعیّت به ساخته‌شدن ذهنیّت خاصی می‌انجامد که در مصاحبه‌ها در پرسش از شیوه‌های مواجهه‌ی افراد در مناقشات برجسته شده بود. به لحاظ واقعی و عینی نیز، هرچه افراد به نسل‌های جوان‌تر متعلق باشند، امکان بروز شیوه‌های سخت‌تر و تندتر بیش‌تر است. سرمایه‌هایی که فرد از آن برخوردار است نیز در این میان تعیین‌کننده است. هنگامی که جوانی تحت سلطه‌ی نیازهای معیشتی و اقتصادی است، به نظر می‌رسد در مواجهه با مناقشات، به نحو خشن‌تری نیز عمل می‌کند. اما با افزایش سن و از دست‌رفتن قوای زیستی و جسمانی از یک سو و برخورداری از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بیش‌تر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

از سوی دیگر، افراد بیش از آن‌که سعی در ادامه‌ی مناقشه داشته باشند، تلاش می‌کنند از آن چشم‌پوشی کنند یا آن را به فراموشی بسپارند.

نتیجه‌گیری

«مناقشه» یکی از رایج‌ترین شیوه‌های ارتباطی است که در وضعیّت‌های خاصی بروز می‌یابد. چنین مناقشاتی گرچه اساساً همراه با خشونت فیزیکی یا نمادینی است، بدون کارکرد اجتماعی نیست. آن‌چه در این مقاله مورد پرسش قرار گرفت، به ساز و کارهای نسلی و شیوه‌های تأثیر آن بر «مناقشه»های اجتماعی بازمی‌گشت. به نظر می‌رسد، شیوه‌های مواجهه با مناقشات اجتماعی با لحاظ متغیّر نسلی، متفاوت خواهد بود. انسان‌ها در مواجهه با دیگران، بر اساس آموزه‌ها و ذهنیّت‌های نسلی که دارند به‌گونه‌ی خاصی وارد موقعیّت‌های ارتباطی به معنی عام و مناقشات به معنی خاص می‌شوند. به منظور بررسی موضوع «مناقشه» و تأثیر ساز و کارهای نسلی مؤثر بر آن، لازم بود مبانی مفهوم‌شناختی مقولات مورد بحث و رویکردهای نظری مؤثر بر این موضوع مورد ارزیابی قرار گیرد. «مناقشه» مفهومی عام‌تر از «مجادله» یا «تضاد» است و سویه‌های کلان و خرد در کنار نرم و خشن را شامل می‌شود. سویه‌های کلان و تند آن به تضاد متمایل می‌شود و سویه‌های خرد و نرم به «مجادله». مناقشه به عنوان مفهومی عام می‌تواند از این جهت، ابعاد مختلف را شامل شود و به همین دلیل موضوع اصلی مقاله‌ی حاضر نیز هست. «نسل» نیز به عنوان مقوله‌ای میانجی برای فهم کیفیت تجربه و مواجهه در موقعیت‌های مناقشه‌آلود، از سویی گروه‌هایی را شامل می‌شود که در دوره زمانی مشخصی توانسته‌اند شیوه‌ی عمل و ذهنیّت متمایزی را به دلیل وضعیّت خاصی که در آن دوره توانسته‌اند تجربه کنند. بنابراین، نمی‌توان این مفهوم را به گروه‌های سنّی محض تقلیل داد. به همین دلیل، تعلق به دوره‌های سنّی شرط لازمی است که تجربه‌ی نسلی مذکور امکان می‌یابد.

پس از بررسی ابعاد مفهومی، به عنوان مقدمه‌ای برای تهیه‌ی مدل مصاحبه، نظرهای مختلف اندیشمندان درخصوص موضوع مطالعه بررسی شد. ظاهراً در میان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مفاهیم سه‌گانه‌ی مناقشه، تضاد و مجادله، جامعه‌شناسان کلاسیک از جمله مارکس به دلیل کلان‌بودن به بررسی زمینه‌ها و کیفیت «تضاد» علاقه‌مند بوده‌اند. پس از بررسی نظرهای مارکس که موتور محرّک تاریخ را تضاد میان طبقات مختلف قلمداد می‌کند، نقاط تمایز نظریه‌ی وبر در انتقاد از رویکرد تقلیل‌گرایانه‌ی وی بیان شد. سپس نظرهای سایر متفکران از جمله مانهایم و بوردیو نیز مرور شد. مدل اولیه‌ای به منظور مصاحبه با نمونه‌های کیفی، به‌دست آمد و از میان نسل‌های سه‌گانه‌ی جوان(افراد ۱۵ تا ۲۹ سال)، میان‌سال(افراد ۳۰ تا ٤۹ سال) و پیر(افراد ۵۰ سال به بالا) با توجه به زنانه و مردانه‌بودن آنان، بیش از ٤۵ مصاحبه با روش مصاحبه‌ی عمیق و گروه‌های کانونی انجام شد.

رفتارهای ایرانیان پس از مناقشات قابل دسته‌بندی به اقسام متنوعی است. افرادی که متعلق به سنین بالاتر و نسل‌های قدیمی‌تر هستند، ترجیح می‌دهند بیش از آن‌که با استمداد از استراتژی‌های تند برای نفی یا رفع مشکل، کدورت بورزند و انتقام بگیرند، ببخشند یا فراموش کنند. این در برای افراد میان‌سال یا سال‌مند صادق نیست. افراد میان‌سال یا سال‌مندی که دوره‌های بسیار پرفشاری را در دوران جوانی گذرانده‌اند، در برخی مواقع از توجیهات متعدد(از جمله توجیهات مذهبی) استفاده می‌کنند تا رنگ و بویی انسانی و اخلاقی به وضعیّت سخت و پرمخاطره‌ی خویش ببخشند. هنگامی که فرد به دلیل سختی تجربه‌های سابق در زندگی نتواند مناقشات دیگران را فراموش و آن را از ذهن خود پاک کند و هم‌چنین امکان اقدام عملی در حال حاضر را نیز نداشته باشد، ممکن است دست به توجیهات مذهبی بزند و فرد را به خداوند احاله کند. سایر افراد متعلق به نسل پیر، در چنین مواقعی عمدتاً به دنبال حلّ مسایل با شیوه‌های نرم و نمادین هستند. گاهی اوقات، چشم‌پوشی از مناقشه صرفاً ظاهر روایت فرد است؛ اما در عمل چشم‌پوشی تنها با قطع رابطه همراه است. به عبارت دیگر، برخی از مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به شیوه‌های عمل بعد از مناقشه تلاش می‌کردند خود را انسان‌هایی نشان دهند که اهل چشم‌پوشی هستند؛ اما در برخی بخش‌ها از مصاحبه‌ها،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

می‌توان به این نتیجه رسید که چشم‌پوشی از مناقشه دقیقاً به معنای قطع رابطه است. این افراد، پس از بروز مناقشه، معمولاً مدت‌های طولانی با خود مونولوگ دارند و تلاش می‌کنند توجیهات ذهنی کنند تا مناقشه کم‌کم از ذهن آن‌ها محو شود. چنین وضعیّتی درخصوص زنان بیش‌تر از مردان قابل مشاهده است.

با میانجی‌گری «نسلی» به نظر می‌رسد، جوانان بیش از افراد مسن، به رویکردهای تند مایلند؛ به‌گونه‌ای که با افزایش سن امکان تجربه‌ی متنوع برای افراد، توانایی استمداد از رویکردهای نرم‌تر را نیز فراهم کرده است. همان‌گونه که بیان شد، چنین نیست که هرچه افراد بر سن‌شان افزوده می‌شود(در چرخه‌ی نسلی) ضرورتاً احساس آنان نسبت به مشکلات تغییر یابد، بلکه شیوه‌ی مواجهه‌ی آن‌ها با آن به تدریج متنوع می‌شود. گاهی با فراموشی، چشم‌پوشی یا توجیهات مذهبی چنین امری بیش از نسل‌های قبل‌تر میسر است. روایت برخی از مصاحبه‌شوندگان حاکی از وجود مشکلات و عمیق‌ترشدن آنان، از جمله در روابط زن و شوهری است؛ اما تلاش می‌کنند تا با اتخاذ استراتژی‌های متنوع فوق، شیوه‌ی مواجهه‌ی خود را با مناقشات احتمالی تغییر دهند. بنابراین، یاد می‌گیرند تا فراموش کنند یا نادیده بگیرند یا حتّی آن را با توجیهات خاصی(از جمله مذهبی) به حوزه‌های دیگری فرا افکنند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی(۱۳۸۳) **جامعه شناسی نسلی**، تهران: پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی، چاپ اول.

۲. بالس، کریستوفر(۱۳۸۰) «ذهنیّت نسلی»، ترجمه‌ی حسین پاینده، **ارغنون**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ش ۱۹، چاپ دوم.

۳. برلین، آیزایا(۱۳۸٦) **کارل مارکس؛ زندگی و محیط**، ترجمه‌ی رضا رضایی، تهران: نشر ماهی.

٤. بوردیو، پی یر(۱۳۸۰) **نظریه‌ی کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی**،ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.

۵. دورکیم، امیل(۱۳۸۱) **درباره‌ی تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

٦. قاضی‌نژاد، مریم(۱۳۸۵) «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی؛ بررسی و نقد رهیافت‌های نسلی- تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرهای مانهایم و بوردیو»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۷. ۹۷-۱۲٤.

۷. کالینیکوس، الکس(۱۳۸٦) **اندیشه‌ی انقلابی مارکس**، ترجمه‌ی پرویز بابایی، تهران: آگه.

۸. هیوز(۱۳٦۹) **آگاهی و جامعه**، ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات علمی- فرهنگی.

9. Barbalet, Jack.(2008) **Weber, Passion and Profits**, Cambridge:Cambridge University Press.
10. Belgrve, L.L, Smith, K.(1995) **Negotiated Validity in Collaborative Ethnography**, Qualitative Inquiry, Meach.
11. Chiltont, Paul A.(2002) **Language, Communication and Discourse**, London & New York: Zed Books.
12. Clark, Simon(1991) **Marx, Marginalism and Modern Sociology**. Hong Kong: Macmillan LTD.
13. Moffitt, Michael L. & Bordone, Robert C.(2012) **The Handbook of Dispute Resolution**, New Jersey: John Wiley & Sons.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]